

راهبرد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در برابر فتنه‌های یهودیان مدینه

حبیب زمانی محجوب*

چکیده

یهودیان از گروه‌هایی بودند که پس از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه، به عنوان دشمنی جدی در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان قد برافراشتند. خطر یهودیان تهدیدی بزرگ برای دین نوپای اسلام بود که پیامبر عظیم‌الشأن اسلام با تبیین گفتمان اسلامی، در پیش گرفتن راهبردی هدفمند، اعمال سیاست‌های سنجیده و رهبری خردمندانه توانست آن را خنثا کند و دین اسلام و کیان دولت اسلامی را از شر فتنه‌های این قوم مصون دارد.

راهبردهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در برخورد با یهودیان موضوع بسیار مهمی است که این مقاله با روش تحلیل تاریخی و با استفاده از قرآن به عنوان منبع اصلی و همچنین مآخذ دست اول و برخی تحقیقات و مطالعات جدید در پی تحلیل و کاوش آن می‌باشد.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با درایت و خردورزی توانست ضمن خنثا نمودن نیرنگ‌های یهودیان، توطئه‌های آنان را سرکوب کرده و اسلام و مسلمانان را از فتنه‌های آنان در امان دارد. ایشان در این راه به انواع روش‌ها مانند انعقاد پیمان‌نامه، دعوت و هدایت آنان، صبر و شکیبایی و در نهایت، برخوردهای قهرآمیز علیه آنان متوسل شدند.

بررسی تعامل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با یهودیان و درک اصول، چارچوب‌ها و منطق این تعامل، به مسلمانان امروز کمک می‌کند تا اصول و چارچوب‌های رفتار خود را با غیرمسلمانان پی‌ریزی کنند و عملکرد خود را با اعتقادات خود هماهنگ سازند و در این مسیر از سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله، که اسوه حسنه است، بهره گیرند.

کلیدواژه‌ها: یهودیان، بنی قریظه، بنی قینقاع، بنی نضیر، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله.

مقدمه

نمی توانستند بینند شخصی غیر از قوم بنی اسرائیل و از خاستگاه عربیت به مقام والای نبوت نایل شده و با دعوت خود و تعالیم اسلامی منافع آنها را به خطر انداخته است، در کنار مشرکان قریش و منافقان مدینه مقابل رسول الله ﷺ و امت وی صف آرایی کردند (شهیدی، ۱۳۷۹، ص ۵۶).

درباره برخوردهای پیامبر و یهودیان مطالعات و تحقیقات بسیاری انجام شده است. از جمله جدیدترین آنها، دو کتاب تحلیلی بر عملکرد پیامبر در برابر یهود، تألیف علی جدیدبناب و پیامبر و یهود حجاز، از مصطفی صادقی می باشد. کتاب الیهود فی القرآن تدوین محمدعفیف عبدالفتاح طباره نیز اطلاعات خوبی در این باره دارد؛ لیکن این کتاب بیشتر به معرفی یهود پرداخته و عملکرد پیامبر ﷺ در برابر یهودیان را چندان بررسی نکرده است. علاوه بر این کتاب ها، مقالات متعددی نیز درباره برخوردهای پیامبر با یهودیان تدوین شده است که از جمله آنها می توان به مقاله «برخوردهای مسالمت آمیز پیامبر با یهود» از مصطفی صادقی و «تعامل دولت نبوی با یهود» از علی اکبر علیخانی اشاره کرد.

با وجود اینکه این موضوع در کتاب ها و مقالات مورد بررسی قرار گرفته است، لکن عمده این تحقیقات بر محور جنگ های پیامبر ﷺ با یهودیان تدوین شده اند و اقدامات و راهبردهای پیامبر ﷺ از زمان ورود به مدینه و اخراج قبایل یهود به دقت بررسی و تبیین نشده است و نوآوری نوشتار حاضر توجه به این مسئله بوده است.

سؤال اصلی مقاله، چگونگی تعامل پیامبر ﷺ با یهودیان و روش های مقابله حضرت با فتنه های این قوم است.

هنگام هجرت رسول خدا ﷺ به مدینه، گروه هایی از یهودیان مهاجر در این منطقه زندگی می کردند (ر.ک: اصفهانی، بی تا، ج ۲۲، ص ۱۰۷-۱۰۸؛ سمهودی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۱۲). آنان با تبلیغات وسیع، توانسته بودند برخی از افراد قبایل عرب را به سوی کیش خود متمایل سازند (یعقوبی، بی تا، ج ۱، ص ۳۱۰). علاوه بر افرادی از خاندان های اوس و خزرج که به دین یهود گرویده بودند، مشهورترین قبایل یهود ساکن یثرب بنی قینقاع، بنی نضیر و بنی قریظه بودند که در شمال شرقی منطقه قبا زندگی می کردند. گروه دیگری از یهودیان نیز در شمال مدینه و در مناطق خیبر، فدک، وادی القری و تیما ساکن بودند.

بخش چشمگیری از یهودیان ثروتمند، و به کار تجارت و بازرگانی مشغول بودند (ابن ادیس، ۱۳۸۶، ص ۵۱؛ احمد باسمیل، ۱۴۰۳ق، ص ۴۶). آنان، افزون بر تسلط بر اقتصاد یثرب، با اعراب بیابانی و مشرکان مکه نیز دادوستد می کردند و انتظار داشتند با ریاست عبدالله بن ابی بر یثرب نفوذ سیاسی و اقتصادی شان توسعه یابد، اما با ورود پیامبر ﷺ به این شهر و گسترش اسلام تمام آرزوهایشان بر باد رفت.

از آنجا که دین اسلام تداوم ادیان بزرگ الهی است، پیروان دین یهود، به ویژه بزرگان و دانشمندان، با توصیه هایی که در منابع دینی خود درباره آخرین رسول وارد شده بود آشنا بودند (بقره: ۸۹). بر این اساس، می توان چنین اظهار داشت که یهودیان از ظهور پیامبری در جزیره العرب آگاهی داشتند (ابن سعد، ۱۹۰۳م، ج ۱، ص ۹۱ و ۱۲۳؛ بیهقی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۲۱۸-۲۲۰)، ولی پس از ظهور پیامبر ﷺ از میان اعراب، یهودیان که

از این رو، با وجود آنکه می‌دانستند محمد رسول و فرستاده خداست و این همان پیامبری است که در تورات به رسالتش وعده داده شده است (بیهقی، ۱۳۶۱، ص ۲۱۸)، اما حسادت و تعصب نادرست آنان را بر آن داشت تا رسالت رسول خدا را نپذیرفته، به مقابله با اسلام و مسلمانان روی آورند.

یهودیان در زمینه دشمنی با نهضت اسلامی و رهبر آن گوی سبقت را از دیگران ربودند؛ به گونه‌ای که قرآن در فهرست دشمنان اسلام نام آنها را پیش از همه، حتی مشرکان، ذکر نموده است: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا» (مائده: ۸۹)؛ مسلماً یهودیان و کسانی را که شرک ورزیده‌اند، دشمن‌ترین مردم در حق مؤمنان خواهی یافت.

یهودیان، با وجود آنکه پیمان‌های متعددی با پیامبر ﷺ بسته بودند، هیچ‌گاه به معاهدات خویش پایبند نبوده، از آزار و اذیت پیامبر ﷺ و مسلمانان فروگذاری نکردند. آنان برای ضربه زدن به اسلام و مسلمانان نیرنگ‌های فراوانی به کار می‌بردند؛ خارج از مدینه مشرکان را تحریک و تقویت می‌کردند و در داخل مدینه نیز، همگام با منافقان، علیه حکومت اسلامی توطئه می‌نمودند. آمار جنگ‌هایی که یهود به طور مستقیم و غیرمستقیم برای شکست اسلام به راه انداختند و نیز انبوه آیات قرآن که درباره آنها، به ویژه در سه سوره «بقره»، «آل عمران» و «نساء»، نازل شده است، تلاش و کوشش فراوانشان را در این مسیر روشن می‌نماید.

درواقع، یهودیان در جامعه اسلامی گروهی فتنه‌گر بودند که هم با جنگ نرم و هم با جنگ سخت به نابودی اسلام می‌اندیشیدند. در ادامه، تعامل

سؤالات فرعی نیز عبارتند از: ۱. یهودیان چه خطرهای مشکلاتی برای پیامبر و مسلمانان ایجاد می‌کردند؟ ۲. چرا پیامبر پس از ورود به مدینه با یهودیان پیمان‌نامه منعقد ساخت؟ محتوای پیمان‌نامه چه بود؟ پیامبر چه راه کارهایی را در مقابل اقدامات خصمانه یهودیان به کار بردند؟ رویارویی پیامبر با یهودیان در چه جنگ‌هایی رخ داد و نتایج هریک چه بود؟

آنچه به طور کلی و به عنوان فرضیه، در این بحث، می‌توان طرح کرد آن است که برخورد رسول گرامی اسلام ﷺ با صاحبان ادیان مختلف، از جمله یهودیان، بر اساس دعوت و گفتمان اسلامی بوده است تا باورهای آنان اصلاح شود، ولی با نقض پیمان‌های پیاپی یهودیان و بی‌نتیجه ماندن این تلاش، پیامبر ﷺ ناچار به انجام برخوردهای قهرآمیز شد.

خطر یهودیان

خطر یهودیان برای پیامبر ﷺ و مسلمانان بسیار جدی بود؛ چرا که روش خصمانه‌شان در برخورد با پیامبر از روی علم و آگاهی بود (پاک‌نژاد، ۱۳۵۸، ص ۱۴). از یک سو، به لحاظ سیاسی یهودیان شاهد تسلط بر مناطق پیرامونی خود بودند و آینده خویش را در خطر می‌دیدند و از سوی دیگر، اسلام از لحاظ دینی، دین یهود را از بنیاد مورد انتقاد قرار داده بود. همچنین قرآن کریم در آیات فراوانی (به ویژه سوره‌های قصص و انبیاء) بنی اسرائیل را مورد توبیخ قرار داده و از اعمال نادرست آنان در برابر انبیاء گله کرده است (مائده: ۷۰). تحمل چنین برخوردی که نوعی افشاگری تاریخی برای بنی اسرائیل به شمار می‌آمد و ویژگی‌های فکری و اخلاقی آنان را برملا می‌کرد، بر یهودیان بسیار دشوار آمد (جعفریان، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۶۷).

پیامبر ﷺ با یهودیان و سیاست‌های آن حضرت در مقابل فتنه‌های این قوم به تفصیل بیان می‌گردد.

انعقاد پیمان

پیش از هجرت پیامبر اکرم ﷺ به یثرب، این شهر هیچ‌گونه ثبات سیاسی و اجتماعی نداشت. بدیهی است پی‌ریزی جامعه‌ای جدید، بر پایه اصول و ارزش‌های اسلامی، نیاز به علقه‌های معنوی خاص و پیوندهای سیاسی میان تمام ساکنان مدینه داشت تا زمینه اتحاد سیاسی - مذهبی در مرکز حکومت اسلامی فراهم آمده، افقی روشن و قابل دستیابی، برای تحقق آزادی و آسایش در چارچوب شریعت، نه فقط برای مسلمانان، بلکه برای تمامی ساکنان مدینه‌النبی ترسیم گردد.

رسول خدا ﷺ تنظیم پیمان‌نامه عمومی مدینه (برای آگاهی از متن پیمان‌نامه، رک: حمیدالله، ۱۳۶۵، ص ۶۵-۶۹) را در راستای یک سلسله اقدامات و تدابیر خردمندانه صورت داد. آن حضرت می‌دانست برای تحقق آرمان‌های بزرگ اسلام فضایی آرام و به دور از تضادهای قومی و قبیله‌ای مورد نیاز است. پیامبر ﷺ، در این منشور اساسی، بر آن شد تا ضمن حفظ برتری اسلام، احساس تفاخر و تضادهای قومی و مذهبی را به همزیستی مشترک و دفاع از مرکز حکومت اسلامی مبدل ساخته، بنیاد امت واحده را پی‌ریزی کند. این قرارداد میان مهاجران، انصار و یهودیان وابسته به آنان (از اوس و خزرج) بسته شد.

منشور سیاسی مدینه به گونه‌ای تنظیم شده بود که پیروان ادیان مختلف در آن شهر بتوانند به طور مسالمت‌آمیز، در کنار مسلمانان زندگی کنند. با

مراجعه به بندهای این سند تاریخی، احترام رسول خدا ﷺ به اصول و قواعد یهودیان کاملاً نمایان می‌شود (طباره، ۱۹۶۶م، ص ۱۸).

رسول خدا ﷺ علاوه بر پیمان‌نامه عمومی، با توجه به آشنایی کامل با خلق و خوی یهود، پیمان‌نامه سیاسی مخصوصی را نیز با سه قبیله «بنی قینقاع»، «بنی نضیر» و «بنی قریظه» منعقد ساخت (طبرسی، بی‌تا، ص ۶۹) که به «واده الیهود» شهرت یافته است (ابن‌کثیر، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۱۹).

در پیمان‌نامه رسول خدا ﷺ با قبایل سه‌گانه یهود چنین آمده است: «یهود نباید علیه پیامبر یا یکی از یارانش، با زبان، دست، اسلحه و مرکب، نه در پنهان و نه آشکارا، نه در شب و نه در روز، اقدامی انجام دهد و خداوند بر این پیمان گواه است. پس اگر یهود این تعهدات را نادیده بگیرد، رسول خدا ﷺ می‌تواند خون ایشان را بریزد، زن و فرزندانشان را اسیر و اموالشان را غنیمت بگیرد» (طبرسی، بی‌تا، ص ۶۹).

بادقت در متن این پیمان‌نامه می‌توان نکات ذیل را دریافت: - این راهبرد خردمندانه پیامبر اکرم ﷺ اتمام حجتی برای یهودیان بهانه‌گیر بود و رسول خدا ﷺ بعدها با استناد به همین پیمان‌نامه توانست با آنها برخورد کند.

- در این معاهده، در برابر اعطای امتیازات بی‌شمار به یهودیان، از آنها جز عدم تعرض چیز دیگری خواسته نشده بود (حلبی شافعی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۰۸).

- یهود با امضای سریع پیمان‌نامه همزیستی مسالمت‌آمیز نشان دادند که منافع آن عهدنامه را درک کرده‌اند؛ چراکه در آزادی کامل، بر عقاید خویش باقی می‌مانند و از حقوق اجتماعی و امنیتی

بود، در مرحله اول به دلجویی و جذب قلوب آنها به اسلام پرداخت، آنان را به توافق در اصول مشترک دعوت نمود (آل عمران: ۶۴). سپس، با دلیل و برهان به سوی وعده‌های الهی فراخواند و در این زمینه، از متن کتاب‌های اصلی خود آنها برایشان دلیل آورد (بقره: ۸۹ و ۴۱؛ مائده: ۸۴) تا شاید به مسیر حقیقت رهنمون شوند.

اما دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله از یهودیان چندان ثمری نداشت. آنان بر اثر حسادت و عنادورزی به رسول خدا صلی الله علیه و آله از ایمان آوردن به آن حضرت خودداری کردند، به گونه‌ای که از آنها بیش از چند نفر به اسلام گرایش نیافتند (ابن هشام، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۴۹۳-۴۹۵؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۳۷۹).

برخورد مسالمت‌آمیز

درباره برخورد‌های مسالمت‌آمیز رسول خدا صلی الله علیه و آله با یهودیان کمتر سخن رانده شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله همواره در پی آن بود که برای حفظ ثبات و اتحاد سیاسی و نظم عمومی مدینه، از درگیری مستقیم با یهودیان پرهیزد و با روشی عطوفت‌بار، همراه با تکریم، با آنان برخورد نماید. بررسی رفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله با یهودیان نشان می‌دهد گفتمان پیامبر صلی الله علیه و آله، در رویارویی با این قوم، زبان تحمیل نیست. ایشان، بر مبنای کرامت انسانی و رأفت اسلامی، از خطاهای یهودیان چشم‌پوشی می‌کرد و با آنان بسیار خوش‌رفتار بود. پیامبر صلی الله علیه و آله به سازش و همزیستی مسالمت‌آمیز با مذاهب مختلف توجهی خاص داشت و یهودیان نیز، در پرتو این نگرش آزادمنشانه دین اسلام و رهبر آن، همواره در مدینه آزادانه می‌زیستند. به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله آنها در مذهبشان آزاد بودند و هیچ‌گاه دین اسلام بر آنان تحمیل نشد

فراوانی بهره‌مند می‌شدند (طباره، ۱۹۶۶م، ص ۱۸). - سعی شده بود در بخش‌های مختلف عهدنامه، درباره پیمان‌شکنی هشدار داده شود و دو طرف بر پایبندی به عهد و پیمان تحریض گردند.

انتظار می‌رفت، با این راهبرد هوشمندانه پیامبر صلی الله علیه و آله، آرامش و صلح در قلمرو حکومت اسلامی برقرار شده، گرفتاری داخلی به وجود نیاید و فکر مسلمانان تنها متوجه مشرکان گردد، اما هنوز مدتی از انعقاد عهدنامه نگذشته بود که یهودیان یکایک بندهای عهدنامه را نقض کردند.

دعوت به اسلام

یکی از اصول و روش‌های نیک رسول خدا صلی الله علیه و آله در تعامل با اقلیت‌های دینی، و به‌طور کلی با همه غیرمسلمانان، دعوت آنان به دین اسلام بود. پیامبر صلی الله علیه و آله همواره می‌کوشید یهودیان را به دین اسلام فراخواند (مائده: ۱۵ و ۱۹) و اسلام را میان آن قوم رواج دهد. رسول خدا صلی الله علیه و آله تلاش کرد پیام صلح و دوستی اسلام را برای یهودیان تبیین کرده، دل‌های پرکینه آنان را با آب زلالی، که از منبع وحی الهی سرچشمه می‌گرفت، بشوید و عطر خوش ایمان و بذر مقدس مسلمانی را در ضمیرشان بیفشاند.

یهود در برابر دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند: «ای محمد! مردم را به چه دعوت می‌کنی؟» رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «شهادت به وحدانیت خداوند و رسالت خودم. من کسی هستم که در تورات از او خبر داده شده است و علما به شما خبر داده‌اند که از مکه ظهور کرده، به مدینه هجرت می‌کنم» (طبرسی، بی‌تا، ص ۴۹).

رسول خدا صلی الله علیه و آله، که از ابتدا بنایش بر جذب یهود

(معروف الحسنى، ۱۹۷۸، ج ۱، ص ۳۲۶).

علاوه بر این، رفتار پیامبر رحمت در برابر گستاخی‌های فراوان یهودیان نیز مبتنی بر رفق و مدارا بود؛ تا جایی که برخی نزدیکان پیامبر ﷺ نیز از این همه نرمش پیامبر ﷺ با آنان بی‌تاب شده، زبان به شکوه می‌گشودند. شیخ کلینی از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند: مردی یهودی بر پیغمبر وارد شد. عایشه هم نزد ایشان بود. یهودی گفت: «السام علیکم». پیغمبر در پاسخ فرمود: «علیکم». یهودی دیگری وارد شد. او هم گفت: «السام علیک». باز پیغمبر همان پاسخ را فرمود. عایشه غضبناک شد و گفت: «سام و غضب و لعنت بر شما باد ای کسانی که جمعی از شما به صورت بوزینه (ر.ک: اعراف: ۱۶۶) و خوک شدند». پیغمبر فرمود: «عایشه! اگر فحش مجسم می‌شد، زشت بود و نمایش بد داشت، اما رفق و مدارا در هر کار آید، آن کار را خوب می‌کند و از هر کاری که دور باشد، آن را بد می‌نماید». عایشه گفت: «یا رسول الله! مگر نشنیدی که به جای سلام، سام گفتند؟ فرمود: «مگر نشنیدی که من هم در جواب، علیکم گفتم؟» (کلینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۶۴-۴۶۵).

صبر و پایداری یکی از قوی‌ترین عواملی بود که پیامبر ﷺ، در سختی‌ها از آن یاری می‌جست. صبر و بردباری پیامبر ﷺ در برخورد با یهودیان، که همواره به اسلام و مسلمانان عناد می‌ورزیدند، بسیار حایز اهمیت است (احمد باسمل، ۱۴۰۳ق، ص ۹۰-۹۱). روشن است که این رفتار رسول خدا ﷺ برگرفته از آیات الهی بود. خداوند متعال در چند آیه، از جمله آیات ۱۱۹ و ۱۲۰ سوره آل عمران، به پیامبر ﷺ خبر می‌دهد که مسلمانان گرفتار آزار و اذیت یهود میشوند و به مسلمانان نیز دستور می‌دهد که در برابر

فتنه‌های یهودیان، صبور، عاقل و هوشیار باشند، تا از دام‌ها و خطراتشان در امان بمانند. خداوند به رسولش به صراحت وعده می‌دهد که در صورت داشتن تقوا مکر دشمنان اثر ندارد و اگر مسلمانان صبر نمایند و پرهیزگاری پیشه سازند، هیچ گزندی به آنان نمی‌رسد. پیامبر اکرم ﷺ نیز با قرائت این آیات برای مسلمانان، روح شجاعت، بردباری و پرهیزگاری را در امت خویش می‌دمد و آنان را برای صبر و پایداری در برابر سختی‌ها و فشارها مهیا می‌سازد.

یهودیان به پیامبر ﷺ و مسلمانان بدترین دشنام‌ها را می‌دادند و با استهزای رسول خدا ﷺ در صدد برانگیختن خشم ایشان برمی‌آمدند (ابن هشام، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۵۰۰). قرآن کریم به پیامبر دل‌داری می‌دهد و به آن حضرت و مؤمنان می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ اسْتَهْزَى بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾ (انعام: ۱۰)؛ (نگران نباش) جمعی از پیامبران پیش از تو را نیز استهزا کردند، اما سرانجام آنچه را مسخره می‌کردند دامانشان را گرفت (و عذاب الهی بر آنها فرود آمد). یهودیان ضمن استمرار تعرض‌های خود و ایجاد مشکلات داخلی، مشرکان و منافقان را نیز برای حمله به مدینه و نابودی اسلام تحریک و تحریض می‌کردند، اما باز رسول خدا ﷺ، با صبر و بردباری، منتظر فرصتی مناسب ماند تا حجت بر آنها تمام شود.

افشاگری فتنه یهود و روشنگری مسلمانان

از دیگر سیاست‌های آگاهانه رسول خدا ﷺ در برابر قوم یهود، افشاگری و برملا ساختن اهداف و توطئه‌های خائنه آنها بود.

پس از حضور پیامبر ﷺ در مدینه، در پرتو تعالیم

کافر شوید» (آل عمران: ۷۳) و بدین ترتیب، در میان مسلمانان توطئه می‌کردند. متأسفانه، جمعی از مسلمانان نیز به این نیرنگ یهود پاسخ مثبت داده، در دام نقشه‌های آنان گرفتار می‌آمدند. زمانی که این فعالیت‌های مخفیانه یهود بر رسول خدا ﷺ آشکار می‌شد، در این رابطه، به امت خویش هشدار می‌داد و آنان را نسبت به توطئه دشمن آگاه می‌ساخت (طباطبائی، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۰۷ و ۲۰۸).

آری، رهبر با تدبیر مدینه اینچنین با بیان شیرین خود زنگار از سینه‌ها می‌زدود و آتش فتنه‌هایی را که یهودیان با تلاش بسیار و صرف هزینه‌های هنگفت برپا می‌کردند با سیاست هوشمندانه خود و با تأسی به آیات الهی خاموش می‌کرد.

رویارویی با یهودیان

آنچه مشخص است، تمام تلاش و کوشش پیامبر ﷺ بر این بود تا از رویارویی با یهودیان خودداری ورزیده، با برقراری آرامش و صلح، در حوزه فرمان‌روایی خویش، مشکلات داخلی را از مرکز حکومت اسلامی دور کند. پیامبر ﷺ اصرار داشت به همه مواردی که در عهدنامه مدینه بر آن توافق شده بود عمل شود، اما یهودیان با مشاهده پیشرفت اسلام دچار تشویش و ناآرامی شده، دشمنی و عناد را به نهایت رساندند.

رسول خدا ﷺ می‌دانست که هیچ‌گاه ایمان و عقیده با زور و شمشیر در قلب‌ها رسوخ نمی‌کند. بر این اساس، تنها زمانی به مقابله مستقیم با یهود برخاست که دیگر برهان و استدلال و پند و اندرز در آنان تأثیری نداشت؛ هنگامی که آنان، همگام با منافقان، سد راه پیشرفت آیین اسلام شده و امنیت

اسلام و تدابیر خردمندانه پیامبر ﷺ، آتش اختلافات قبیله‌ای رو به خاموشی گرایید و کینه‌های دیرین از میان رفت. یهود که هرگز باور نداشت اعراب بادیه‌نشین به وحدت و انسجام سیاسی و اجتماعی، تحت لوای آیین توحیدی اسلام، دست یازند، پیوسته در تلاش بود با پاشیدن بذر فتنه و اختلاف در دل مسلمانان و ایجاد جوّی مملوّ از کینه، آتش دشمنی‌های کهنه و قدیمی را دوباره شعله‌ور سازد (همان، ص ۶۳۱). آنان می‌کوشیدند، با بزرگ‌نمایی مشکلات جامعه، در میان صفوف فشرده مسلمانان گسست ایجاد نموده، بدین وسیله، وحدت اجتماعی و حاکمیت اسلامی را به چالش کشند. در این میان، منافقان و در رأس آنها عبدالله بن ابی، که کمر به نابودی اسلام بسته بودند، نیز همکاری مضاعفی با یهود داشتند. این‌گونه دسیسه‌ها بسیار خطرآفرین بود و هر لحظه بیم آن می‌رفت که وحدت سیاسی و ثبات شهر مدینه را با مشکلی اساسی روبه‌رو کند، اما رسول خدا ﷺ، با درایت خود، این نقشه‌های شوم را نقش بر آب می‌نمود. پیامبر ﷺ با استناد به آیات الهی (آل عمران: ۹۹-۱۰۳؛ طباطبائی، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۵۶۳) مسلمانان را به قوام و استمرار وحدت و پرهیز از مناقشه فرامی‌خواند و آفت فتنه و بروز تنش را به امت اسلام گوشزد می‌کرد.

از دیگر نقشه‌های یهودیان برای متزلزل ساختن جامعه اسلامی فریب مسلمانان ساده‌اندیش و منحرف کردن آنها بود (آل عمران: ۶۹). برخی از یهودیان با افرادی که به پیامبر ﷺ ایمان داشتند طرح دوستی می‌ریختند و ضمن تظاهر به خیرخواهی (ر.ک: ابن‌هشام، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۴۹۲)، به آنان می‌گفتند: «در آغاز روز ایمان بیاورید و در پایان روز

مدینه را به چالش کشیده بودند.

درواقع، رسول اکرم ﷺ برای دفع شرّ و فتنه این قوم، به رویارویی با آنها برخاست و ناچار به برخورد با آنها شد.

غزوة بنی قینقاع

بنی قینقاع اولین گروه یهودیان بودند که نقض پیمان کردند (ابن اثیر، ۱۳۹۹ق، ج ۲، ص ۱۳۷). آنان، که پس از کامیابی مسلمانان در غزوة بدر سخت برانگیخته شده بودند، ضمن بی ارزش شمردن پیروزی لشکر اسلام، به آزار و اذیت مسلمانان پرداختند (زین، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۳۷).

به گواهی منابع تاریخی، با فزونی یافتن سرکشی و عصیان بنی قینقاع رهبر صلح طلب و عدالت گستر اسلام آنان را گرد آورد و به وحدت و همبستگی و قرب اعتقادی با مسلمانان فراخواند (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۷۱). رسول خدا ﷺ معاهده مدینه را به آنها یادآور شد و آنان را به اجرای کامل پیمان نامه فراخواند تا از سرکشی دست بردارند (ابن کثیر، بی تا، ج ۳، ص ۱۲۷)، اما رفتار قبیله بنی قینقاع در برابر اندرز نبوی گردنکشی و لجاجت بود (طبری، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۷۲-۱۷۳؛ طبرسی، ۱۳۷۹ق، ج ۱، ص ۱۷۵). آنها گستاخانه برای رسول خدا ﷺ رجزخوانی و حماسه سرایی نمودند و ایشان را به جنگ تهدید کردند (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۷۱). در نتیجه، پیامبر ﷺ، که با این قبیله پیمان عدم تعرض منعقد ساخته بود، برای جلوگیری از تعرض آنان به ناچار در مقابلشان ایستاد (انفال: ۵۸). اهانت یهودیان بنی قینقاع به زنی مسلمان در بازار یهودیان و به نقلی، اتحاد پنهانی آنان با ابوسفیان و

کفار مکه سرآغاز نخستین نبرد میان مسلمانان و یهودیان بود (ابن هشام، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۶۳۲-۶۳۳). پیامبر ﷺ قلعه بنی قینقاع را محاصره کرد. پس از ۱۵ روز محاصره، یهودیان که دیدند تاب مقاومت و همچنین جنگ با مسلمانان را ندارند، تسلیم شدند. با مداخله و میانجی گری عبدالله بن ابی، که هنوز در مدینه نفوذ داشت و با یهود بنی قینقاع نیز هم پیمان بود، پیامبر ﷺ از کشتن آنها صرف نظر کرد، ولی دستور داد از مدینه خارج شوند و همه دارایی آنها را نیز ضبط کرد. همچنین، خمس مجموع اموال را برداشت و باقی مانده را میان سپاهیان اسلام تقسیم کرد (همان؛ واقدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۶۹).

غزوة بنی نضیر

طایفه بنی نضیر از تمامی اقوام یهود داخل مدینه ثروت و عظمتی بیشتر داشتند. آنان نیز، برخلاف پیمانی که با پیامبر ﷺ بسته بودند، ضمن همکاری با قریش و تحریک آنها برای حمله به مدینه، همواره علیه پیامبر ﷺ توطئه می کردند تا جایی که زندگانی رسول خدا ﷺ را نیز تهدید کردند. بنی نضیر، که در نتیجه همبستگی با اشراف مکه و تحریک منافقان جسارت یافته بودند (حشر: ۱۱)، در پی قتل رسول خدا ﷺ برآمدند، اما این بار نیز خداوند متعال یاور پیامبرش شد و حضرت را از توطئه شوم یهود آگاه ساخت (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۶۵؛ حلبی، بی تا، ج ۲، ص ۲۶۳).

نتیجه نگرفتن رسول خدا ﷺ از ارشاد و هدایت یهودیان و آشکار شدن ستیز بنی نضیر، در تصمیم به ترور نافرجام پیامبر ﷺ، سبب شد که حضرت برای پایان بخشیدن به توطئه های بنی نضیر به محاصره

در جنگ احزاب آنها نه تنها پیامبر را یاری نکردند، بلکه پس از اتحاد با قریش و غطفان، دست به غارت شهر مدینه زدند و زنان و کودکان پناهنده در شهر را ترساندند (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۴۶۰-۴۶۲).

انتشار خبر پیمان شکنی بنی قریظه در اردوی مسلمانان روحیه آنان را به شدت ضعیف کرد؛ زیرا باز شدن جبهه جدیدی در جنوب شرقی مدینه (محل سکونت بنی قریظه) خطری بزرگ به حساب می‌آمد. درواقع، بنی قریظه با این کار تشویش و نگرانی مسلمانان را دو برابر کردند؛ تا جایی که یاران پیامبر در حین جنگ، از حملات بنی قریظه به شهر بیش از هجوم قریش و غطفان ناراحت بودند. پیامبر درحالی که ۳۰۰۰ نفر نیروی نظامی بیشتر در اختیار نداشت، ناگزیر شد از بیم تصرف شهر مدینه به دست این قبیله ۵۰۰ نفر از نیروهایش را از کناره خندق به درون شهر بفرستد (هما، ص ۴۶۰؛ ابن هشام، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۷۳۶-۷۳۷).

اکنون، نفاق این قوم بر همگان آشکار شده بود. اگر به سزای عمل ننگین خویش نمی‌رسیدند، بیم آن می‌رفت با کفار جزیره العرب متحد شده، اساس اسلام را از بیخ و بن برکنند و دوباره فرهنگ جاهلی را بر جامعه تحمیل کنند (طباطبائی، بی‌تا، ج ۱۷، ص ۲۰۱). پیامبر ﷺ، پس از فراغت از نبرد احزاب، لشکر اسلام را به سوی سرزمین بنی قریظه گسیل داشت و قلعه‌های آنان را محاصره کرد. پس از ۲۵ روز محاصره، یهودیان به ناچار تسلیم شدند و پیروزی بزرگی نصیب مسلمانان شد (احزاب: ۲۶ و ۲۷).

یهود بنی قریظه، پس از تسلیم شدن، از پیامبر ﷺ خواستند به آنان اجازه دهد همانند دیگر قبایل یهود جلای وطن کنند، اما پیامبر ﷺ، با شناخت و تجربه‌ای

قلعه‌های آنان پردازد (ابن کثیر، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۴۶). حمله لشکر اسلام پایان ناخوشایندی برای بنی نضیر در پی داشت. آنها، چون دیدند از وعده‌های منافقان خبری نشد و سایر یهودیان نیز قدمی برای حمایت آنان برنداشتند، به ناچار تسلیم شدند. با تسلیم بنی نضیر دومین گروه از یهودیان مدینه نیز در مقابل رسول خدا ﷺ سر تعظیم فرود آوردند و حاضر شدند با بر جای گذاشتن اموال خود از مدینه بیرون روند (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۷۳؛ یعقوبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۰۵).

غزوة بنی قریظه (ر.ک: احمد باسمیل، ۱۴۰۳ق)
بنا بر منابع تاریخی، پیامبر ﷺ در برابر قوم بنی قریظه موضع ظاهراً تنیدی اتخاذ کرد که از مباحث مهم و بحث‌برانگیز سیره نبوی است.

این قوم، که در اطراف مدینه سکونت داشتند، با تشویق و تحریک قریش برای هجوم یکپارچه به مدینه ذات نفاق آلود خود را برملا ساخته بودند. آنان در نبرد احزاب مشکلات فراوانی را برای پیامبر ﷺ و لشکر اسلام ایجاد کردند و در حساس‌ترین لحظات و بحرانی‌ترین اوضاع، رسول خدا ﷺ را تنها گذاشته، بار دیگر ثابت کردند که به هیچ‌گونه پیمانی پایبند نیستند.

طی جنگ احزاب، حُیی بن أخطب رئیس قبیله بنی نضیر اندیشید که اگر بتواند کعب بن اسعد رئیس قبیله بنی قریظه را با خود همراه کند، قادر خواهد بود جبهه‌ای در پشت سر لشکریان اسلام بگشاید و معبری برای ورود به مدینه بیابد. او به قلعه بنی قریظه رفت و با اصرار فراوان آنان را به پیمان شکنی واداشت (ابن مسکویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۴۹-۱۵۰). از این رو،

که از توطئه چینی مکرر یهودیان داشت، تقاضای آنان را نپذیرفت (ابن کثیر، بی تا، ج ۳، ص ۲۳۲).

به اصرار قبیله اوس، که پیش از تشکیل حکومت نبوی با بنی قریظه هم پیمان بودند، مقرر شد سعد بن معاذ، رئیس قبیله اوس، درباره آنها داوری کند (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۵۱۱). یهود بنی قریظه نیز رضایت خویش را از داوری سعد ابراز داشتند (یعقوبی، بی تا، ج ۱، ص ۴۰۵).

نظر سعد بن معاذ، مبنی بر اعدام مردان جنگی و تقسیم اموال و اسارت زنان و فرزندان، از سوی رسول خدا ﷺ تأیید و اعلان شد که مطابق حکم خداوند است (طبری، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۴۹). حکم سعد بن معاذ با شریعت یهود نیز انطباق داشت (العقاد، ۱۳۵۸، ص ۸۳-۸۵). در ضمن، حکم براساس معاهده‌ای بود که میان رسول خدا ﷺ و یهود منعقد گشته بود و پیامبر ﷺ عین دستور العمل معاهده‌ای را اجرا کرد که حیی بن اخطب، از جانب بنی قریظه، زیر آن را امضا کرده بود (طبرسی، بی تا، ص ۹۰-۹۱).

عمده مورخان صدر اسلام بر حادثه بنی قریظه اتفاق نظر دارند. در این حال، موضوع کشتن مردان بنی قریظه، در دوره‌های جدید، مورد نقد برخی محققان تاریخ اسلام قرار گرفته است (شهیدی، ۱۳۷۹، ص ۸۸-۹۰؛ برکات، ۱۹۹۶م، ص ۱۳۰). البته باید اظهار داشت وقوع جنگ با بنی قریظه و مجازات آنها توسط پیامبر و مسلمانان امری غیر قابل انکار است. یهود بنی قریظه پس از دوبار نقض عهد، دوباره در بدترین شرایط (به هنگام هجوم احزاب به مدینه) پیمان شکستند و فضای امنیت و آرامش شهر مدینه را بر هم زدند؛ از این رو، مجازات شدیدتری هم

شدند (جعفریان، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۵۶۹). همچنین با توجه به آیه ۲۶ سوره «احزاب» و سایر مستندات تاریخی، مجازات بنی قریظه امری قطعی است.

نتیجه‌گیری

از هنگامی که رسول خدا ﷺ پرچم حکومت اسلامی را در مدینه برافراشت، یهودیان شبه جزیره عزت خویش را رو به افول دیدند و بر همین اساس، عناد خود را به مکتب حیات بخش اسلام و دولت رسول خدا ﷺ آغاز کردند.

در مقابل، پیامبر اکرم ﷺ با درایت و خردورزی توانست تمام نیرنگ‌ها و توطئه‌های آنان را خنثا نماید. ایشان در گام نخست، به تدوین نظام نامه مدینه و انعقاد پیمان نامه عمومی مدینه همت گماشت و کوشید ضمن همزیستی مسالمت آمیز، با گفتمانی دقیق و سنجیده، یهودیان را به دین مبین اسلام فراخوانده، قلب‌هایشان را با نور ایمان روشنی بخشد، اما رفق و مدارای پیامبر ﷺ با این جماعت اثر چندانی در هدایتشان نداشت و آنان، برخلاف مفاد پیمان نامه عمومی، با انواع روش‌ها درصدد خاموش کردن چراغ هدایت گر اسلام برآمدند.

پیامبر اکرم ﷺ، برای حفظ ثبات اجتماعی و سیاسی مرکز حکومت اسلامی، بردباری و شکیبایی فراوانی در برابر یهود از خویشان نشان داد و پیروانش را نیز پیوسته به صبر و مقاومت فرامی خواند، اما به تدریج، با رشد روزافزون خیانت‌ها و جنایت‌های یهودیان، رسول خدا ﷺ از اعمال سیاست انعطاف پذیری در برابر این قوم دلسرد گردید و با تأسی به کلام وحی (عنکبوت: ۴۶) مصمم شد فضای مدینه را از لوٹ وجود قوم یهود

منابع

- ابن اثیر، عزالدین ابی الحسن علی، ۱۳۹۹ق، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارصادر.
- ابن ادریس، عبدالله عبدالعزیز، ۱۳۶، *جامعه مدینه در عصر نبوی*، ترجمه شهلا بختیاری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ابن سعد، عبدالله محمد، بی ۱۹۰۳م، *الطبقات الکبری*، بیروت، دارصادر.
- ابن کثیر، ابی الفدا، بی تا، *السیرة النبویه*، تحقیق مصطفی عبدالواحد، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابن مسکویه، ابوعلی، ۱۳۶۲، *تجارب الامم*، ترجمه ابوالقاسم امامی، تهران، سروش.
- ابن هشام، محمد، ۱۳۶۱، *سیرت رسول الله*، ترجمه رفیع الدین اسحاق بن محمد همدانی، تهران، خوارزمی.
- احمد باسمیل، محمد، ۱۴۰۳ق، *غزوه بنی قریظه*، ط. الثالثة، بیروت، دارالفکر.
- احمدی میانجی، علی، ۱۴۱۹ق، *مکاتیب الرسول*، تهران، دارالحديث.
- اصفهانی، ابی الفرج، بی تا، *الاغانی*، بیروت، مؤسسة جمال للطباعة والنشر.
- برکات، احمد، ۱۹۹۶م، *محمد و یهود نظره جدیده*، قاهره، الهيئة المصریة العامة للکتاب.
- بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۴۱۷ق، *جمل من انساب الاشراف*، بیروت، دارالفکر.
- بیهقی، ابوبکر احمد بن حسن، ۱۳۶۱، *دلائل النبوه*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، علمی و فرهنگی.
- پاک‌نژاد، سیدرضا، ۱۳۵۸، *یهود و قریش*، مؤسسه خیریه علمی و دینی مهدیه.
- جعفریان، رسول، ۱۳۸۶، *تاریخ سیاسی اسلام*، قم، دلیل ما.
- حلبی شافعی، علی بن برهان الدین، *السیرة الحلبیه*، بیروت، المكتبة الاسلامیه.
- حمیدالله، محمد، ۱۳۶۵، *الوثائق*، ترجمه محمود مهدوی

پاک نماید. ایشان، در راستای نیل به این هدف، ناچار به برخوردهای قهرآمیز شد و بدین وسیله توطئه‌های شوم یهودیان را سرکوب کرد. اگر در برخورد رسول خدا صلی الله علیه و آله با اقوام شکست خورده یهود تأمل کنیم، این نکته را درخواهیم یافت که حضرت بر ضبط دارایی و اموال یهود و اخراج آنان از سرزمین‌های اسلامی تأکید می‌ورزید. دلیل اصرار و پافشاری رسول خدا صلی الله علیه و آله بر بیرون راندن جماعت یهود از مدینه النبی، احتمالاً احساس خطر ایشان از ائتلاف و همکاری آنان با دشمنان خارجی (مشرکان) در مرکز حکومت اسلامی بود. عامل دیگر، شناخت پیامبر صلی الله علیه و آله از خیانت و پیمان‌شکنی مکرر یهودیان بود؛ دیگر ماهیت یهود بر پیامبر صلی الله علیه و آله آشکار شده بود و رهبر آینده‌نگر و باتدبیر حکومت اسلامی حاضر نبود حضور پیمان‌شکنانی را که با ایجاد بحران، امنیت جامعه را بر هم می‌زدند تحمل نماید.

دامغانی، تهران، بنیاد.

زین، سمیع عاطف، ۱۴۰۶ق، **خاتم النبیین**، بیروت، دارالکتب اللیبانی.

سمهودی، نورالدین علی بن احمد، ۱۴۱۱ق، **وفاء الوفا بأخبار دارالمصطفی**، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.

شهیدی، سیدجعفر، ۱۳۷۹، **تحلیلی از تاریخ اسلام**، تهران، نهضت زنان مسلمان.

صالحی شامی، محمد بن یوسف، ۱۴۱۴ق، **سبل الهدی والرشاد فی سیرة خیر العباد**، بیروت، دارالکتب العلمیه.

طباره، عقیف عبدالفتاح، ۱۹۶۶م، **الیهود فی القرآن**، بیروت، دارالکتب الاسلامیه.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، بی تا، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم، جامعه مدرسین.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۶۴، **تفسیر المیزان**، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین.

طبرسی، فضل بن حسن، بی تا، **اعلام الوری**، بیروت، دارالکتب الاسلامیه.

طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۹ق، **مجمع البیان**، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

طبری، محمد بن جریر، ۱۴۰۳ق، **تاریخ الامم والملوک**، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.

عقاد، عباس محمود، ۱۳۵۸، **راه محمد**، ترجمه اسدالله مبشری، تهران، امیرکبیر.

کلینی، محمد بن یعقوب، بی تا، **اصول کافی**، ترجمه و شرح سیدجواد مصطفوی، تهران، مؤسسه انتشاراتی نور.

معروف الحسینی، هاشم، ۱۹۷۸، **سیرة المصطفی**، بیروت، دارالقلم. واقدی، محمد بن عمر، ۱۴۰۹ق، **المغازی**، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، بی تا، **تاریخ یعقوبی**، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.